

Factors Affecting Marriage Delay in Iran and around the World

Fatemeh Torabi¹, Zahra Shams Ghahfarokhi^{2*}

Abstract

Marriage of young people has been delayed in recent decades, following the alterations resulting from modernization, industrialization and major changes in economic, social and cultural structures. Its social harms and impact on fertility decline have made marriage delay as one of the most important issues in macro-level policies in Iran. Several studies have examined the factors associated with delayed marriage so far. This paper explains and categorizes the results of these studies by conducting a systematic review of papers that have been published on this subject during the last 10 years (1390 to 1400 SH and 2010 to 2021 AD) in Iran and the world. After applying the inclusion and exclusion criteria, the factors related to delayed marriage were examined in 30 studies and 10 categories were identified, including economic factors, social factors, place of residence, race, demographic factors, lifestyle, psychological factors, family background, religion and ethnicity. The most common determinants of delayed marriage are increased education and economic factors. The results of this study can provide appropriate solutions for families, officials and statemen to design appropriate plans for building a society with the right age at marriage by identifying effective factors. This will help to maintain family and increase fertility.

Keywords: Age at first marriage, Marriage delay, Economic factors, Social factors, Systematic review

Received: 2022-01-29

Accepted: 2022-04-17

1 Associate Professor, Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran;
fatemeh_torabi@ut.ac.ir

2 PhD Candidate in Demography, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author);
Zahra-shams@live.com

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2022.547779.1219>

عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در ایران و جهان

فاطمه ترابی^۱، زهرا شمس قهفرخی^{۲*}

چکیده

در دهه‌های اخیر و در پی تحولات ناشی از نوسازی، صنعتی شدن و تغییراتی که در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده، ازدواج جوانان به تأخیر افتاده است. آسیب‌های اجتماعی این تأخیر و تأثیر آن در کاهش باروری، آن را به یکی از مسائل مهم مورد توجه در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور تبدیل کرده است. مطالعات متعددی عوامل مرتبط با تأخیر ازدواج را بررسی کرده‌اند. این مقاله با مرور نظام‌مند مطالعاتی که طی ۱۰ سال گذشته در ایران و جهان (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ شمسی و ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ میلادی) به این موضوع پرداخته‌اند، نتایج این پژوهش‌ها را تبیین و دسته‌بندی می‌کند. با اعمال معیارهای ورود و خروج مطالعات، عوامل مرتبط با تأخیر ازدواج در ۳۰ مطالعه بررسی و ۱۰ دسته عوامل شامل عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، محل سکونت، نژاد، عوامل جمعیتی، سبک زندگی، عوامل روانی، پیشینه‌ی خانوادگی، مذهب و قومیت شناسایی شدند. فراوان‌ترین عوامل تعیین‌کننده تأخیر ازدواج، افزایش تحصیلات و عوامل اقتصادی است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند راهکارهایی مناسب را در اختیار خانواده‌ها، مسئولین و دولتمردان قرار دهد تا بتوانند با شناخت عوامل مؤثر تأثیرگذار برنامه‌ریزی‌های مقتضی را در جهت داشتن جامعه‌ای با سن مناسب ازدواج در جهت حفظ خانواده و افزایش باروری داشته باشند.

واژگان کلیدی: سن در اولین ازدواج، تأخیر ازدواج، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، مرور نظام‌مند.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

۱ دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ fatemeh_torabi@ut.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ zahra-

shams@live.com

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2022.547779.1219>

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم تلقی می‌شود. برای جوانان، ازدواج نشان‌دهنده گذار به بزرگسالی است که با مسئولیت جدید مشخص می‌شود (Juntarodjana 2002; Juntarodjana & Podhisita 2003). اگرچه ازدواج یک عمل ارادی و تابع خواسته و تمایلات فردی است، با این حال تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار دارد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳). در دهه‌های اخیر، در پی تغییر و تحولات ناشی از نوسازی، صنعتی شدن و جهانی شدن تغییرات عمده‌ای در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده است. این دگرگونی‌ها، تأثیرات قابل توجهی در عرصه‌های فردی و اجتماعی داشته است (شهناز و آزاده، ۱۳۹۷). از دیدگاه نظریه‌پردازان نوسازی، تغییرات در خانواده به تغییرات در زندگی اجتماعی وابسته است که متأثر از سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی است. بدین ترتیب، تغییرات ساختار خانواده و ازدواج در انطباق با تغییرات شرایط اقتصادی اجتماعی صورت گرفته است (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴) جوانان برای دستیابی به موقعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی، ازدواج را به تعویق انداخته و در نتیجه الگوهای سنتی ازدواج دچار چالش‌هایی شده است.

تأخیر ازدواج و افزایش جمعیت مجرد به عنوان یکی از بارزترین ویژگی‌های نظریه دوم انتقال جمعیت، نه تنها در جوامع غربی، بلکه تقریباً در همه کشورها مشاهده شده است (Feng 2018). سن ازدواج افراد در اکثر جوامع صنعتی از دهه ۱۹۶۰ افزایش یافته است. برای مثال، در جوامع غربی، میانگین سنی زنان در اولین ازدواج از اوایل دهه بیستم به اواخر دهه بیست تغییر کرده است (Sobotka & Toulemon 2008). افزایش مشابهی در میانگین سنی زنان در ازدواج اول بعداً در اقتصادهای پیشرفته آسیای شرقی مشاهده شد. به طوری که میانگین سنی زنان در اولین ازدواج (SMAM) در این مناطق از اوایل دهه‌ی بیست سالگی به اواخر دهه‌ی بیست سالگی بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵ افزایش یافت (Jones & Gubhaju 2009). در کشورهای در حال توسعه در نیمه دوم قرن بیستم نیز افزایش سن ازدواج آغاز شد (لوکاس و میر، ۱۳۹۳). ایران نیز همانند سایر کشورهای در حال توسعه، این مسئله را تجربه کرده است و در طول سه دهه گذشته میانگین سن ازدواج زنان سه سال (از ۱۹/۹ سال در سرشماری ۱۳۶۵ به ۲۳/۲ سال در سال ۱۳۹۵) و برای

مردان (از ۲۳/۸ سال در سال ۱۳۶۵ به ۲۷/۵ سال در سرشماری ۱۳۹۵) چهار سال افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵-۱۳۹۵). مطالعه اورتگرا^۱ (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های ازدواج بخش جمعیت سازمان ملل (۲۰۰۸) نشان داده که به‌طور متوسط، نسبت به دهه ۱۹۷۰، ازدواج در جهان حدود دو سال با تأخیر صورت می‌گیرد و البته تفاوت‌هایی بین کشورهای مختلف مشاهده می‌شود. تأخیر در ازدواج در کشورهای توسعه یافته‌تر، با سرعت بیشتری رخ داده است (Ortega 2012).

توجه به مسئله خانواده از چندین منظر اهمیت دارد ابتدا، از دیدگاه جامعه‌شناسی ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسانی است و آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه‌ی ازدواج سالم و محیط آرام‌بخش خانواده است (گرامیان، ۱۳۸۷). از نظر علمای اخلاق و از دیدگاه اسلام، ازدواج ضمن دارا بودن همه ویژگی‌های لازم در حفظ روابط خانوادگی و اجتماعی، بقای نسل و جلوگیری از انحراف‌های مختلف، عبادت به شمار می‌آید و راهی است که به کمال انسان منتهی می‌شود (عبداللهی، ۱۳۶۶). و در آخر، از بعد جمعیت‌شناختی دارای اهمیت می‌باشد. با توجه به اینکه یکی از کارکردهای ازدواج، فرزندآوری است، تأخیر در ازدواج و تشکیل خانواده باعث عدم تعادل در ساختار جمعیتی می‌شود و می‌تواند یکی از عوامل اثرگذار بر کاهش باروری باشد؛ چرا که با بالا رفتن میانگین سن ازدواج، تعداد زیادی از زنان مستعد باروری، باروری کم‌تری خواهند داشت یا از دایره‌ی باروری خارج می‌شوند (کاوه‌فیروز و صارم، ۱۳۹۶). دو مکانیسمی که باعث کاهش میزان زاد و ولد می‌شوند عبارتند از: (۱) تغییر در تعداد فرزندان که زنان دارند، (۲) تغییر در زمان تولد و نسبت کسانی که هرگز ازدواج نمی‌کنند. در بسیاری از کشورهای با باروری پایین، تشکیل خانواده در سنین بالاتر اتفاق می‌افتد (Jones & Gubhaju 2009) که می‌تواند تبعات مختلفی را به همراه داشته باشد، مهم‌ترین اثر آن از نظر جمعیت‌شناسی، ایجاد دگرگونی در الگوهای زاد و ولد است. به‌طوری که در ایران نیز، کاهش فراگیر باروری بیشتر نتیجه‌ی ازدواج در سنین بالاتر است (Abbasi-Shavazi 2000). در ایران میزان باروری کل از حدود ۷ فرزند در سال ۱۳۶۰، به ۱/۸ در سال ۱۳۹۰ رسید

(عباسی‌شوازی و حسینی چاوشی ۱۳۹۰؛ Abbasi-Shavazi & McDonald 2006). نتایج اولیه سرشماری ۱۳۹۵ نیز حاکی از این است که جمعیت ۰-۴ ساله اندکی افزایش داشته است و میزان باروری کل، بر پایه‌ی نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، به ۲/۰۱ فرزند رسیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). هر چند که بعد از گذشت دو دهه به‌طور مقطعی میزان باروری کل ایران در سال ۱۳۹۵ اندکی افزایش یافت، اما شواهد حاکی از آن است که مجدداً میزان باروری از سال ۱۳۹۶ به بعد رو به کاهش گذاشته است (فتحی، ۱۳۹۹). در مطالعه‌ی، عباسی‌شوازی، حسینی چاوشی و مک دونالد^۱ (۲۰۰۷) نشان دادند که ۳۵ درصد کاهش باروری در دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ در اثر تغییرات سن ازدواج رخ داده است. ازدواج و تشکیل خانواده دارای کارکردهای زیستی، اجتماعی و فرهنگی است و در تمامی فرهنگ‌ها اهمیت دارد، در جامعه ما با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی و جمعیتی این اهمیت دو چندان است که با ادامه روند کاهش میزان ازدواج و تأخیر در سن ازدواج این کارکردها دچار اختلال شده و آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی برای جوامع به همراه خواهد داشت.

افزایش دوران مجرد می‌تواند در ابعاد فردی، اجتماعی، تأثیرات بسیار مهمی داشته باشد و تغییرات زیادی را در حوزه‌های فردی و اجتماعی به وجود آورد و با توجه به جمعیت بالای جوانان کشور ما و همچنین افزایش سن ازدواج و کاهش باروری در سال‌های اخیر لزوم بررسی مسئله مجرد و تأخیر در ازدواج به خوبی آشکار شده است. بر همین اساس، دولت ایران تغییر ساختار جمعیتی را مورد توجه قرار داد و در سال ۱۳۹۳ "سیاست‌های کلی جمعیت" را ابلاغ کرد که به ضرورت افزایش جمعیت و ابعاد مختلف جمعیت از جمله فرزندآوری، تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده، بهداشت باروری، ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی، توانمند سازی جوانان، توجه نمود. در سال ۱۳۹۵ سیاست‌های کلی "خانواده" نیز ابلاغ شد که به ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی مجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و

فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی تأکید کرده است، اما شواهد موجود نشان می‌دهد که علیرغم ابلاغ این سیاست‌ها، جمعیت مجردان همچنان رو به افزایش است.

بدین ترتیب، به دلیل اهمیت افزایش سن ازدواج در جامعه ایران و در سطح جهان در دهه‌های اخیر، پژوهشگران بسیاری به علل و عوامل مؤثر دیر هنگامی ازدواج جوانان پرداخته‌اند و سعی در تبیین آن داشتند. ولی تاکنون مرور منظمی در خصوص عوامل تعیین‌کننده تأخیر ازدواج در سطح بین‌المللی و ایران انجام نشده است تا از خلال بررسی آنها، مهم‌ترین عوامل شناسایی شود و اعتبار و خلأهای این پژوهش‌ها نمایان گردد. به همین دلیل، این پژوهش درصدد آن است که عوامل مرتبط با تأخیر ازدواج را مطابق با پژوهش‌هایی که طی ۱۰ سال گذشته در ایران و جهان صورت گرفته، مبتنی بر یک مطالعه مروری سیستماتیک استخراج نموده، و به تبیین و دسته‌بندی نتایج تحقیقاتی که عوامل مرتبط تأخیر ازدواج مورد بررسی قرار داده است، بپردازد. همانطور که بعداً توضیح داده می‌شود برای قصد ازدواج به جز یک مقاله، موردی دیگر در این بازه زمانی پیدا نشد و بنابراین فقط به بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج پرداخته می‌شود و به این سؤال پاسخ خواهد داده شد که "عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج کدامند؟"

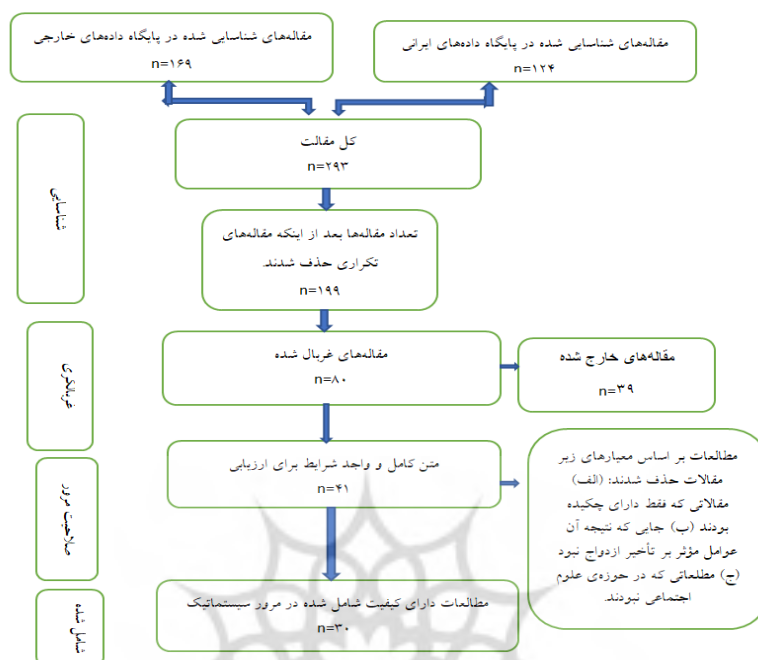
روش و داده‌های پژوهش

مرور تحقیقات گذشته به شیوه‌های مختلفی انجام می‌پذیرد، یکی از شناخته شده‌ترین آنها مرور نظام‌مند است که در واقع جستجوی ساخت‌یافته‌ای است که بر اساس قوانین و ضوابط از قبل تعیین شده انجام می‌گردد. دو خصیصه اصلی مرور نظام‌مند عبارتست از: اول آنکه دارای پایایی بالا است، یعنی تکرارپذیر است. دوم آنکه در چند مرحله انجام می‌شود؛ و در ابتدا جستجو بسیار گسترده و با حساسیت بالا است و در مراحل آخر اختصاصی می‌شود (Glass 1981; Kenneth 1996). به‌طور کلی، دو دسته مقاله مروری وجود دارد: ۱- مرور نقلی و ۲- مرور نظام‌مند؛ مرور نقلی، روشی سنتی است و با توجه به اینکه یک فرایند ذهنی است مستعد خطا و تورش می‌باشد و فقط در مواردی که شواهد و داده‌های محدودی موجود باشد، ارزشمند خواهد بود. اما در مرور نظام‌مند، با شناسایی دقیق، منظم و برنامه‌ریزی شده

تمام مطالعات مرتبط، می‌توان نقد عینی‌تری انجام داد و به مشکلات مربوط به مرور نقلی فائق آمد (Glass 1981; Kenneth 1996).

این مطالعه، به صورت مروری سیستماتیک است. این مرور در مورد قصد، عوامل تأثیرگذار بر تأخیر ازدواج از مقالات مختلف داخلی و خارجی به دست می‌آید. چهار پایگاه داده مجزا (ProQuest, SpringerLink, Google Scholar, Elsevier) برای مقالات خارجی چاپ شده و سه سایت داخلی (نورمگز، مگایران، پایگاه علمی جهاد دانشگاهی) برای مقالات داخلی در نظر گرفته شده است که به تأخیر ازدواج اشاره دارند. جستجو مقالات در فاصله زمانی بین آبان سال ۱۴۰۰ و تا آذر ۱۴۰۰ انجام شد تا مفهوم کلی و موضوعات فرعی از مقالات منتشر شده بازایی شود. مقالات منتشر شده بین سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ شمسی و ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ میلادی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استراتژی جستجو شامل و متمرکز بر کلمات کلیدی "تأخیر ازدواج، تأخیر در ازدواج، قصد ازدواج، سن در اولین ازدواج" است. و معادل انگلیسی این کلمات عبارتند از: Marriage intention, "Delayed marriage, Age at first marriage"

مقاله‌ها بر اساس معیارهای زیر انتخاب شده است: (۱) مقاله به زبان انگلیسی یا فارسی نوشته شده باشد؛ (۲) مقاله در نشریات علمی منتشر شده باشد و یا گزارش موردی باشد؛ (۳) در مطالعه، عوامل مؤثر بر قصد و یا تأخیر ازدواج زنان و مردان و یا یکی از دو جنس بررسی شده باشد؛ (۴) مطالعه به روش کمی یا کیفی انجام شده باشد؛ (۵) متن کامل مطالعه در دسترس باشد. مطالعات بر اساس معیارهای زیر حذف شدند: (الف) مقالاتی که فقط دارای چکیده بودند؛ (ب) مطالعاتی که نتیجه آن عوامل مؤثر بر قصد ازدواج و/ یا تأخیر ازدواج نبود؛ (ج) مطالعاتی که در حوزه‌ی علوم اجتماعی نبودند. برای قصد ازدواج به جز یک مقاله، موردی دیگر در این بازه زمانی پیدا نشد و بنابراین فقط به بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج پرداخته می‌شود.



شکل ۱. جریان جستجوی ادبیات مورد استفاده برای شناسایی عوامل تأثیرگذار بر تأخیر ازدواج

در مرحله‌ی اول جستجوهای در هفت پایگاه داده انجام شد. همانطور که در شکل ۱ مشخص شده است، در مجموع ۲۹۳ استناد به دست آمد: ۱۸ مورد از Elsevier، ۳۰ مورد از ProQuest، ۸۰ مورد از Google Scholar، ۲۱ مورد از SpringerLink، ۵۲ مورد از مگ ایران، ۴۴ مورد از نورمگز و ۲۷ مورد از پایگاه علمی جهاد دانشگاهی به دست آمد. در مجموع ۹۴ مقاله‌ی تکراری شناسایی شد و در مجموع ۱۹۹ مقاله‌ی منحصر به فرد باقی مانده است. در مرحله بعدی غربالگری مقالات انجام شد، به‌دین صورت که عنوان و چکیده مقالات به منظور بررسی معیارهای پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت و مقالاتی که معیارهای پژوهش را نداشتند از مطالعه حذف شدند. ۱۱۹ مورد در غربالگری حذف شد و ۸۰ مورد انتخاب شد. در مرحله بعد، ارزیابی متن کامل مقالات بر اساس معیارهای ورود انجام شد. پس از شناسایی مجموعه نهایی مطالعات، ویژگی‌ها و یافته‌های مطالعه‌ها با مطالعه دقیق بخش روش‌ها و نتایج استخراج شد در مجموع ۴۱ مقاله واجد شرایط برای ارزیابی به دست آمد و در نهایت ۳۰ مطالعه دارای کیفیت لازم در مرور سیستماتیک وارد شد. اطلاعات این ۳۰

پژوهش منتخب، براساس نام پژوهشگران، عنوان پژوهش، سال انتشار، روش تحقیق و عواملی مؤثری بر تأخیر ازدواج در جدول ۱ دسته‌بندی شده است.

جدول ۱- مشخصات ۳۰ مقاله مورد تحلیل در مورد خصوص عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج

شماره	نویسندگان	عنوان	روش تحقیق	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج
۱	Deirdre Bloome & Shannon Ang (2020)	Marriage and Union Formation in the United States: Recent Trends Across Racial Groups and Economic Backgrounds	مطالعه‌ی کمی، مطالعه‌ی پنل	درآمد والدین ثروت تحصیلات پرستیز شغلی
۲	Bun Song Lee, Jennifer Klein, Mark Wohar & Sangsin Kim (2020)	Factors delaying marriage in Korea: an analysis of the Korean population census data for 1990-2010	مطالعه‌ی کمی، با استفاده از روش رگرسیون لجستیک چندوجهی	تحصیلات قیمت مسکن بیکاری درآمد
۳	Mahsa Saadati & Arezoo Bagheri (2017)	Determinants of Iranian youths' marriage age: A parametric survival analysis approach	مطالعه‌ی کمی، مطالعه‌ی مقطعی	منطقه‌ی مسکونی سطح تحصیلات موقعیت شغلی تعدادخواهر و برادران درآمد
۴	Jidapa Phonchua, Chai Podhisita, Aree Jampaklay, & Jongjit Rittirong (2017)	Marriage in Kanchanaburi Province, Thailand: Who Delays, Who Does Not?	مطالعه‌ی کمی، تحلیل مدل لجیت	تحصیلات وضعیت اقتصادی تجربه‌ی مهاجرت منطقه‌ی مسکونی نگرش نسبت به ازدواج و طلاق
۵	Sam Hyun Yoo (2016)	Postponement and recuperation in cohort marriage: The experience of South Korea	مطالعه‌ی کمی، نمونه سرشماری یک درصد میکرو دیتا کره‌ی جنوبی	تحصیلات
۶	Jia Yu & Yu Xie (2015)	Changes in the Determinants of Marriage Entry in Post-Reform Urban China	مطالعه‌ی کمی	وضعیت اقتصادی
۷	Rania Salem (2016)	The gendered effects of labour market experiences on marriage timing in Egypt	مطالعه‌ی کمی	شرایط بازار کار هزینه‌های ازدواج اشتغال
۸	Daniel Schneider, Kristen Harknett & Matthew Stimpson (2019)	Job Quality and the Educational Gradient in Entry into Marriage and Cohabitation	مطالعه‌ی کمی، تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به کوهورت تولد ۱۹۸۰-۱۹۸۴ ایالات متحده از پیمایش ملی طولی جوانان در سال ۱۹۹۷	تحصیلات کیفیت شغل منابع اقتصادی

عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در ایران و جهان ۱۴۹

شماره	نویسندگان	عنوان	روش تحقیق	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج
۹	Alisa C. Lewin (2012)	Marriage Patterns Among Palestinians in Israel	مطالعه کمی، با استفاده از داده‌های سرشماری اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۱، ۱۹۷۲، ۱۹۸۳ و ۱۹۹۵.	تحصیلات در دسترس بودن زوج برای زنان
۱۰	Ridhi Kashyap, Albert Esteve & Joan García-Román (2015)	Potential (Mis)match? Marriage Markets Amidst Sociodemographic Change in India, 2005-2050	مطالعه کمی، با استفاده از داده‌های حاصل از بررسی سلامت خانواده ملی هند در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ بررسی اجتماعی - اقتصادی ۲۰۰۴	گسترش تحصیلات زنان کمبود نسبت جنسی زنان در بدو تولد
۱۱	JordanMichael Gebel & Stefanie Heyne (2016)	Delayed transitions in times of increasing uncertainty: School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan	مطالعه کمی، استفاده از داده‌های تاریخی زندگی در مقیاس بزرگ، در سطح ملی از بررسی پانل بازار کار اردن در سال ۲۰۱۰ و استفاده از تجزیه و تحلیل تاریخی رویداد.	تحصیلات بیکاری برای مردان فعالیت در مشاغل غیررسمی
۱۲	اعظم شکوری، اسدالله نقدی، حسین امامعلی زاده و زهرا رحیمی (۱۳۹۷)	عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان	مطالعه کمی، پیمایش	تمکن مالی ناکافی علیرغم داشتن شغل و درآمد. دشوارسازی ازدواج و منوط کردن اقدام به ازدواج به شروطی برای برآورده کردن آن‌ها. نگرانی زوجین از داشتن ازدواج ناموفق. اعتقاد به وجود هزینه - فرصت بالای ازدواج. لذت از مجردی. معاشرت با جنس مخالف. داشتن انتظارات آرمان گرایانه از ازدواج. نوع نگرش به ازدواج.
۱۳	فرزاد پرهوده، ابوالقاسم فاتحی و اکبر مرادی (۱۳۹۸)	گرایش دانشجویان مرد ۲۶ سال به بالا به مجرد نسبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد شهر اسلام آباد غرب)	مطالعه کمی، پیمایش	سن. بی اعتمادی به جنس مخالف. تماس با جنس مخالف.

شماره	نویسندگان	عنوان	روش تحقیق	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج
۱۴	سیف‌اله فضل‌الهی قمشی و حیدرعلی جهان‌بخشی (۱۳۹۶)	سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در افزایش آن	مطالعه‌ی کمی، پیمایش	وجود پدیده بیکاری در بین جوانان نداشتن درآمد کافی برای ازدواج خوف از از پدیده‌ی افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی تأکید بر استقلال مالی درآمد طرفین تأکید بر داشتن مسکن
۱۵	مهرانگیز شعاع کاظمی و فرح فرازنده پور (۱۳۹۸)	رابطه‌ی سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان	توصیفی از نوع همبستگی	سبک زندگی سطح تحصیلات اشتغال ترس از آینده الگوپذیری
۱۶	حسین محمودیان، فاطمه ترابی و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۲)	تفاوت‌های جنسی تعیین‌کننده‌های سن ازدواج افراد در آستانه ازدواج در شهر کرمانشاه	مطالعه‌ی کمی پیمایش	تحصیلات پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین اشتغال
۱۷	گلمراد مرادی و محسن صفاریان (۱۳۹۱)	عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)	پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌های مربوطه پرسشنامه توام با مصاحبه است.	سبک فرزندپروری وضیت مسکن نابرابری جنسیتی دخالت والدین اعتماد به نفس
۱۸	اردشیر انتظاری، احمد غیاثوند و فاطمه عباسی (۱۳۹۶)	عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران	مطالعه پیمایشی	پایگاه اقتصادی اجتماعی پسران پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده دختر
۱۹	عباس عسکری‌ندوشن، فاطمه فتوحی تفتی و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۹۷)	تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: مطالعه‌ی تطبیقی دختران جوان در آستان هی ازدواج و زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله	داده‌های ثانوی	موقعیت اقتصادی اجتماعی پایین و بالای زنان

شماره	نویسندگان	عنوان	روش تحقیق	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج
۲۰	شهلا باقری، جواد مداحی، و طاهره لطفی خاچکی (۱۳۹۸)	برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج براساس نظریه زمینه ای (مطالعه موردی): دانشجویان دختر شهر مشهد)	روش شناسی کیفی	تحصیلات و بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه ادامه تحصیل مشغولیتی بازدارنده تجربه‌ی رابطه با دیگری مهم واکاوی شکست دیگران ترس از طلاق اعتمادناپذیری و متعهد نبودن مردان محدودیت شغلی و جبر تحصیلی سرزنش، تحقیر و اعمال فشار بر دختران مجرد محکم و نادیده‌انگاری نظر دختر انگیزه‌های دوران تجرد دوران رهایی و مسئولیت‌ناپذیری جهاز بازتولید غربی جمود و وسواس ناشی از سن و بزرگ‌پنداری دافعه‌های ازدواج
۲۱	وحید ضرابی و سید فرخ مصطفوی (۱۳۹۰)	بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی	روش کمی، بر اساس داده‌های موجود، روش ارزیابی زمان رخداد واقعه و روش رگرسیون کاکس	شهری بودن قومیت خانوارهای طبقات اقتصادی پایین
۲۲	ابراهیم النجانی و مینا عزیززاده (۱۳۹۵)	بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی، یک مطالعه میان استانی	با استفاده از داده‌های پانل روی ۲۸ استان	تورم بیکاری رشد مخارج خانوار
۲۳	علی محمدپور و نعمت‌الله تقوی (۱۳۹۴)	عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان	مطالعات کمی، پیمایش	سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده سطح انتظارات جوانان بی‌اعتمادی اجتماعی افراد لذت بردن از دوران تجرد تحصیلات
۲۴	کرم حبیب پور و گتایی و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰)	علل افزایش سن ازدواج دختران	مطالعه‌ی کمی، پیمایشی	تحصیلات نگرش فرامادی به ازدواج هزینه فرصت از دست رفته
۲۵	فریده خلیج‌آبادی فراهانی، شهلا کاظمی پور و علی رحیمی (۱۳۹۱)	بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران	مطالعه‌ی کمی، پیمایشی	وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده تجربه معاشرت پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج

شماره	نویسندگان	عنوان	روش تحقیق	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج
۲۶	رسول صادقی و محمد شکفته گوهری (۱۳۹۵)	مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران	مطالعه کمی و کیفی تحلیل ثانویه داده‌های خرد ۱۳۹۰، مصاحبه‌ی عمیق	بیکاری هویت بخشی‌شغلی تجمل‌گرایی رهاشدگی ناامنی شغلی عقلانیت در تصمیم‌گیری
۲۷	کریم رضادوست و ایمان ممبینی (۱۳۹۰)	بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغرها در زنان شاغل	مطالعه‌ی کمی، پیمایش	تحصیلات درآمد وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد زن اهمیت شرایط اقتصادی همسر توجه خانواده‌ی زن به شرایط اقتصادی داماد توقعات غیرمادی از همسر آینده
۲۸	حاتم حسینی، رسول صادقی و اردشیر رضایی (۱۳۹۸)	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران	مطالعه‌ی کمی، تحلیل ثانویه بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۵	عدم تعادل در بازار ازدواج استقلال زنان بیکاری مردان درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها
۲۹	سیروس فخرایی و مهناز پورتنقی (۱۳۹۵)	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب	مطالعه‌ی کمی، روش پژوهش پیمایشی	تمایل به ادامه‌ی تحصیلات مشکل‌یسنی جوانان تمایل به اشتغال دختران جوان احساس مشکل اشتغال پسران جوان
۳۰	زینب کاوه‌فیروز، شهلا کاظمی‌پور و مرتضی رنجبر (۱۳۹۳)	تعیین‌کننده‌های اجتماعی جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران)	مطالعه‌ی کمی، روش تحقیق پیمایشی	استفاده از وسایل ارتباط جمعی اختلاف نگرش دختران با والدین

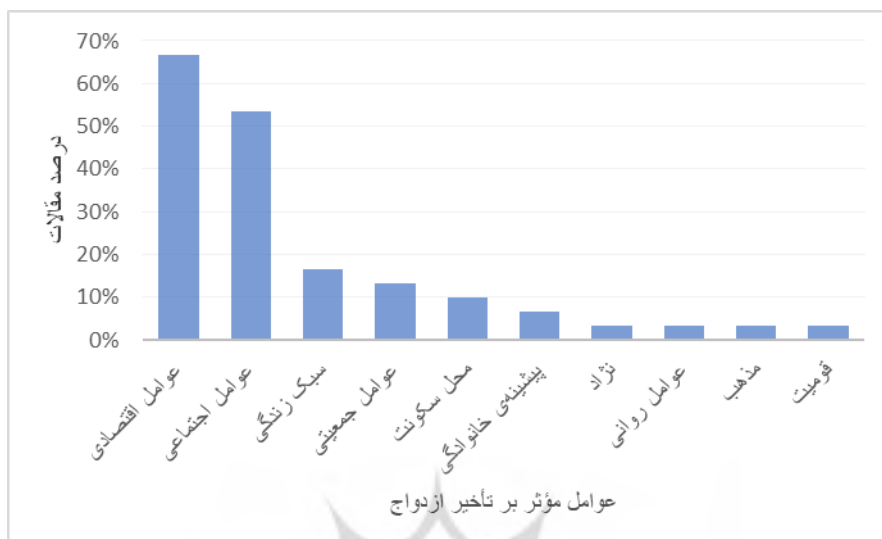
یافته‌ها: عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج

عوامل مرتبط با تأخیر ازدواج در ۳۰ مطالعه بررسی شد. نتایج به ۱۰ دسته تقسیم شدند: عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، محل سکونت، نژاد، عوامل جمعیتی، سبک زندگی، عوامل روانی، پیشینه‌ی خانوادگی، مذهب، و قومیت. که در جدول ۲ این عوامل به همراه مطالعاتی که به آن‌ها پرداختند، خلاصه شده است. به‌علاوه در نمودار ۱، درصد مقالات مرتبط با عوامل مختلف مؤثر بر تأخیر ازدواج نمایش داده شده است. براساس نتایج، عوامل اقتصادی و عامل اجتماعی جوانان رایج‌ترین عوامل تعیین‌کننده تأخیر ازدواج بودند.

جدول ۲- خلاصه‌ی عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در سی مطالعه‌ی مورد بررسی

نویسندگان	زیر عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج	ردیف
بلوم و آنگ، ۲۰۱۸؛ سانگلی و همکاران، ۲۰۱۶؛ ساداتی و باقری، ۲۰۱۸؛ سالم، ۲۰۱۶؛ یو و خی، ۲۰۱۵؛ پانچوا و همکاران، ۲۰۱۷؛ اشنیدر و همکاران، ۲۰۱۹؛ گیبل و هین، ۲۰۱۶؛ شکوری و همکاران، ۱۳۹۷؛ فضل الهی قمشی و جهانبخشی، ۱۳۹۷؛ شعاع کاظمی و فرازنده‌پور، ۱۳۹۸؛ محمودیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱؛ انتظاری و همکاران، ۱۳۹۶؛ عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷؛ التجایی و عزیززاده، ۱۳۹۵؛ صادقی و شکفته گوهری، ۱۳۹۶؛ رضادوست و ممبئی، ۱۳۹۰؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۸؛ فخرایی و پورتنقی، ۱۳۹۴	وضعیت اشتغال وضعیت اقتصادی وضعیت درآمد وضعیت مسکن هزینه‌های زندگی و تورم پایگاه اقتصادی اجتماعی نگرش مادی به ازدواج	عوامل اقتصادی	۱

ردیف	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج	زیر عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج	نویسندگان
۲	عوامل اجتماعی	تحصیلات	بلوم و آنگ، ۲۰۲۰؛ سانگلی و همکاران، ۲۰۱۶؛ ساداتی و باقری، ۲۰۱۸؛ پانچوا و همکاران، ۲۰۱۷؛ یو، ۲۰۱۶؛ اشیدر و همکاران، ۲۰۱۹؛ لوین، ۲۰۱۲؛ کشیاب و همکاران، ۲۰۱۵؛ گیل و هین، ۲۰۱۶؛ شعاع کاظمی و فرازنده‌پور، ۱۳۹۸؛ محمودیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ باقری و همکاران، ۱۳۹۸؛ محمدپور و تقوی، ۱۳۹۲؛ گتایی و غفاری، ۱۳۹۰؛ رضادوست و ممبئی، ۱۳۹۰؛ فخرایی و پورتنقی، ۱۳۹۴
۳	محل سکونت	شهری و روستایی	ساداتی و باقری، ۲۰۱۸؛ ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۸
۴	نژاد	سیاه پوست و سفید پوست	بلوم و آنگ، ۲۰۱۸
۵	عوامل جمعیتی	میزان باروری کل مهاجرت مضیق‌های ازدواج	ساداتی و باقری، ۲۰۱۸؛ کشیاب و همکاران، ۲۰۱۵؛ لوین، ۲۰۱۲؛ پانچوا و همکاران، ۲۰۱۷
۶	سبک زندگی	تجملات در ازدواج لذت بردن از دوران مجردی سطح انتظارات جوانان سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها گسترش انواع سبک‌های شریک‌گزینی و معاشرت با جنس مخالف تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی	شعاع کاظمی و فرازنده‌پور، ۱۳۹۸؛ شکوری و همکاران، ۱۳۹۷؛ محمدپور و تقوی، ۱۳۹۲؛ خلیج‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۲؛ صادقی و شکفته‌گوهری، ۱۳۹۶
۷	عوامل روانی	واکاوی شکست دیگران و ترس از طلاق	باقری و همکاران، ۱۳۹۸
۸	پیشینه‌ی خانوادگی	تعداد خواهر و برادر وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده	ساداتی و باقری، ۲۰۱۸؛ محمودیان و همکاران، ۱۳۹۲
۹	مذهب	مسیحی، دروزی، مسلمان	لوین، ۲۰۱۲
۱۰	قومیت	گیلانی، مازندرانی، بلوچ، لر، ترکمن، کرد	ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰



نمودار ۱: درصد مقالات مرتبط با عوامل مختلف مؤثر بر تأخیر ازدواج

۱- عوامل اقتصادی

منابع اقتصادی به‌عنوان یک عامل مهم در ازدواج مورد توجه قرار گرفته‌اند که در ۲۰ مطالعه به آن پرداخته شده بود. همانطور که در نمودار ۱ آمده است، بیشترین عامل تأثیرگذار در تأخیر ازدواج جوانان وضعیت اشتغال در بین آنهاست است که در ۷۵ درصد مطالعات به آن پرداخته شده بود. پس از آن، وضعیت اقتصادی فرد با ۵۰ درصد، سپس وضعیت درآمد با ۳۰ درصد و همچنین ترس از پدیده‌ی افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی و تورم، وضعیت مسکن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی زوجین و خانواده‌ی آنها هر یک با ۱۵ درصد، و در آخر نگرش مادی به ازدواج با ۵ درصد بیشترین فراوانی را در مطالعات داشتند. در رابطه با وضعیت فعالیت زنان، یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در ایران نشان داد که سن ازدواج زنان برحسب وضعیت فعالیت متفاوت بوده است و زنان شاغل نسبت به سایر وضعیت‌های فعالیت، بالاترین میانگین سن ازدواج را داشتند. احتمال دارد، اثر قوی‌تر اشتغال در سن ازدواج زنان ناشی از این امر باشد که ترجیحات مرتبط با ازدواج در بین زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل تغییر عمیق‌تری پیدا می‌کند. زنان شاغل احتمال ازدواج را در سنین بالاتر نیز برای خود قائل‌اند؛ لذا

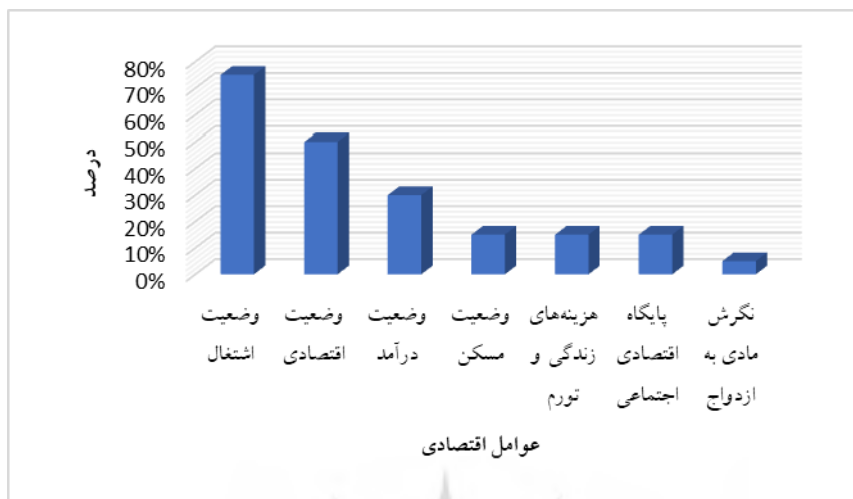
در انتخاب همسر و سواس بیشتری دارند و همین عامل به دیر ازدواج کردن آنها خواهد انجامید (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷).

مطالعات انجام شده در کره جنوبی، مانند مطالعه‌ی لی^۱ و لی (۲۰۱۴) قیمت بالای مسکن را در کره عامل به تأخیر افتادن ازدواج می‌داند. جونز^۲ (۲۰۱۹) موارد زیر را به عنوان عوامل اصلی تأخیر در سن ازدواج در کشورهای آسیای شرقی از جمله ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور، تایوان و هنگ کنگ فهرست می‌کند: عدم اطمینان بازار کار، افزایش هزینه‌ها و کمبود مسکن، مشکلات زنان در ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های کار و خانه، لی و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود متوجه شدند که اشتغال در صنایع خاص بر احتمال ازدواج تأثیر می‌گذارد. (Lee et al. 2020).

تفاوت بین تأخیر در ازدواج بین زنان و مردان شاغل و غیر شاغل در اندونزی وجود دارد، نزدیک به نیمی (۴۷ درصد) از مردانی که بیکار هستند ازدواج‌شان را به تأخیر می‌اندازند، در حالی که این تفاوت برای کسانی که در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی کار می‌کنند، بسیار کمتر است. در میان زنان، بیشترین درصد تأخیر مربوط به کسانی است که در بخش غیرکشاورزی مانند تجارت و مشاغل یقه سفید کار می‌کنند. از آنجایی که کیفیت شغلی بهتر ازدواج را تشویق می‌کند. مردان و زنان شاغل در مشاغلی که مزایای جانبی بیشتری و برنامه‌ی کاری استاندارد را ارائه می‌دهند، به‌طور قابل توجهی احتمال بیشتری دارد ازدواج کنند. بنابراین، عدم اطمینان اقتصادی در رابطه با آینده فردی منجر به تعویق ازدواج می‌شود. عدم موفقیت در ورود به یک شغل ممتاز در بخش دولتی یا شغل ایمن‌تر در بخش خصوصی رسمی ممکن است اطمینان اقتصادی را کاهش دهد و ازدواج را به تأخیر بیندازد. مطالعاتی که در مصر و اردن انجام شده نشان دادند که برای مردان داشتن مشاغل ممتاز در بخش دولتی و مشاغل رسمی بخش خصوصی، گذار به ازدواج اول را در مقایسه با کار در بخش غیررسمی افزایش می‌دهد و تاخیر ازدواج در بین مردان و زنان بیکار قابل مشاهده است (Gebel & Heyne 2016; Krafft & Assaad 2020; Salem 2016).

1 lee

2 Jones



نمودار ۲. درصد مقالات مرتبط با عوامل اقتصادی مؤثر بر تأخیر ازدواج

۲- عوامل اجتماعی

یکی از عوامل مهمی که موجب بالا رفتن سن ازدواج می‌شود، تحصیلات است. از مجموع مطالعات بررسی شده، شانزده مطالعه به بررسی تحصیلات پرداختند. مطالعات انجام شده در ایران، تایلند، اردن، فلسطین، کره‌ی جنوبی نشان دادند که هم مردان و هم زنان که تحصیلات بالا دارند ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازد. چون وارد شدن به بازار کار برای مردان و زنان تحصیل کرده دیرتر اتفاق می‌افتد. داشتن یک زندگی قابل قبول و متناسب با توقعات جامعه در جوامع جدید، اغلب مستلزم دوره‌ی بلندمدت تحصیلی است. کسب مدارک تحصیلی، موجب اعتبار اجتماعی و اقتصادی افراد می‌گردد و زمینه استخدام آسان‌تر آن‌ها را در مراکز اداری، کارخانه‌ها و غیره فراهم می‌کند. بنابراین جوانان مخصوصاً پسران برای آنکه بتوانند در آینده از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتری برخوردار باشند، ناگزیرند ده‌ی سوم زندگی خور را برای تحصیل صرف کنند. تحصیلات عالی برای زنان بیشتر از این جهت اهمیت یافته که موقعیت اقتصادی اجتماعی آن‌ها را افزایش می‌دهند. و زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند (بستان، ۱۳۸۹).

بنابراین از یک سوی با ورود عنصر آموزش و تحصیلات آن هم در سطوح عالی و توسعه دانشگاه‌های مختلف، امکان ادامه تحصیل در سطوح مختلف دانشگاهی فراهم شده است. با ورود به آموزش عالی، افراد سال‌های زیادی از عمر خود را صرف تحصیل می‌کنند که این خود به بالا رفتن سن ازدواج می‌انجامد. از سوی دیگر، با توجه به سطح پایین توسعه جامعه مورد نظر و فراهم نبودن جذب نیروی آموزش دیده فارغ‌التحصیل دانشگاهی در بخش‌های خصوصی و دولتی کماکان بخش قابل توجهی از افراد به دلیل بیکاری و نداشتن شغل دائم حتی بعد از فراغت از تحصیل ازدواج نمی‌کنند و ازدواج را به تعویق می‌اندازند (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۲).

اما مطالعاتی که در کره انجام شده نشان داد برای مردان، که در سن ۳۵ تا ۳۹ سال هستند با تحصیلات عالی، زودتر از مردان با تحصیلات متوسطه یا کمتر ازدواج می‌کنند. قوی‌ترین اثر جنسیتی در میان کسانی که در بخش کشاورزی کار می‌کنند رخ می‌دهد، مردانی که در بخش کشاورزی کار می‌کنند احتمالاً تا سن ۴۰ سالگی ازدواج می‌کنند، اما زنان کشاورز زودتر ازدواج می‌کنند (Lee et al. 2020).

الف) محل سکونت: در سه مطالعه انجام شده در ایران سن ازدواج زنان و مردان شهری بالاتر از سن ازدواج زنان و مردان روستایی است. از آنجایی که معمولاً زنان شهری تحصیلات بالاتری نسبت به زنان روستایی دارند، سن ازدواج آن‌ها نیز به واسطه تأثیر تحصیلات بالاتر است. ثانیاً، به نظر می‌رسد که در روستاها عواملی وجود دارد که باعث افزایش سن ازدواج می‌گردد که این عوامل در شهرها وجود ندارد. به عنوان مثال، وجود ارزش‌ها و هنجارهای ویژه‌ای در روستاها می‌تواند ازدواج در سنین ویژه‌ای را تجویز نماید که این ارزش‌ها و هنجارها در شهرها وجود نداشته و کارکرد این ارزش‌ها و هنجارها باعث بالا رفتن سن ازدواج در روستاها (نسبت به شهرها) شوند (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰).

ب) نژاد: تأثیر نژاد بر تأخیر ازدواج تنها در یک مطالعه بررسی شده است، در این مطالعه که دو کوهورت متولدین را در آمریکا بررسی کرده است، به این نتایج دست یافته‌اند، سن ازدواج در کوهورت‌های (متولدین بین دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰) سریع‌تر از کوهورت‌های قبلی (متولدین دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۶۰) افزایش یافته است. جوانان تا سنین بالاتر مجرد می‌مانند و ازدواج زودهنگام را با همزیستی جایگزین می‌کنند، اما به‌طور

فزاینده‌ای دوره‌های طولانی‌تری از زندگی خود را بدون شریک زندگی می‌گذرانند. در هر کوهورت، احتمال کاهش ازدواج در بین سیاهپوستان بیشتر از سفیدپوستان است. بیشترین تفاوت نژادی در ازدواج در بین افرادی است که موقعیت اقتصادی اجتماعی مشابهی دارند. به این معنا که بین افرادی که از لحاظ اقتصادی اجتماعی یکسان هستند، سیاهپوستان ازدواج خود را به دلایل تبعیض‌ها و نابرابری در دستیابی به فرصت‌های شغلی به تأخیر می‌انداختند (Bloome & Ang 2020).

۳- عوامل جمعیتی

از آنجایی که استان‌های مختلف دارای سطوح مختلف توسعه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگ هستند، ممکن است سن ازدواج متفاوت داشته باشند. مطالعه‌ای که در ایران انجام شد استان‌ها را بر اساس $TFR < 2$ و $TFR \geq 2$ طبقه‌بندی کرده است. دلیل در نظر گرفتن TFR برای تقسیم استان‌ها به این دلیل بود که بررسی‌ها نشان داد که استان‌های با باروری پایین، دارای سطح مدرنیزاسیون بالایی هستند. همچنین نتایج نشان داد که استان‌ها تأثیر معناداری بر سن ازدواج در زنان و مردان داشتند. افرادی که در استان‌های دارای $TFR < 2$ زندگی می‌کردند، دیرتر از افرادی که در استان‌های دارای $TFR \geq 2$ زندگی می‌کردند ازدواج می‌کردند (Saadati & Bagheri 2018). در یک مطالعه در اندونزی تجربه مهاجرت بررسی شده است. این مطالعه، بیشترین درصد تأخیر ازدواج را در میان مردان و زنانی که حداقل یک سال پس از ۱۵ سالگی به مکان‌های خارج از استان محل سکونت خود نقل مکان کرده‌اند، را نشان داد. کسانی که این تجربه را نداشتند کم‌تر ازدواج‌شان را به تأخیر می‌انداختند (Phonchua et al. 2017).

عامل جمعیتی دیگری که بر تأخیر ازدواج تأثیر می‌گذارد در دسترس بودن همسران بالقوه - جمعیتی که در معرض ازدواج هستند، می‌باشد. تحت تأثیر تغییر شرایط جمعیتی، خواه تغییرات در مرگ‌ومیر (تغییر در تفاوت‌های جنسیتی در مرگ‌ومیر یا مرگ‌ومیر کوهورت) یا تغییر اندازه کوهورت‌ها به دلیل اثرات مستمر افزایش یا کاهش باروری یا وقایعی، مانند جنگ‌ها، قحطی‌ها، و پرزایی و کم‌زایی‌ها؛ نسبت جنسی در بدو تولد یا، در موارد استثنایی، رویدادهای مهاجرتی بزرگ ویژه‌ی جنسی، اتفاق می‌افتد (Goodkind

1985; Schoen & Baj 1997). اندازه‌گیری نسبت جنسی، شاخص ساده و پرکاربردی است که برای بررسی عدم تعادل بالقوه جمعیت هر دو جنس به کار می‌رود. این عدم تعادل ممکن است باعث "مضیقه‌ی ازدواج" شود (Fraboni & Billari 2001). در یک مطالعه در هندوستان به بررسی و پیش‌بینی مضیقه‌ی ازدواج بر تأخیر ازدواج پرداخته شد که دریافتند کاهش میزان ازدواج برای مردان ناشی از چولگی نسبت جنسی در هنگام تولد در جمعیت هند در سال ۲۰۵۰ منجر به تأخیر ازدواج مردان خواهد شد (Kashyap et al. 2015). در حالی که به نظر می‌رسد در دسترس بودن همسر فقط بر زمان ازدواج زنان تأثیر می‌گذارد. به‌طور خاص، یافته‌ها در فلسطین در دسترس بودن مردان بر تأخیر ازدواج زنان را نشان می‌دهد، یعنی هر چه تعداد مردان به ازای هر زن در سن ازدواج بیشتر باشد، زنان کمتری تا سن ۲۵ سالگی مجرد می‌مانند (Lewin 2012).

۴- سبک زندگی

سبک زندگی عنوانی است که در علوم انسانی در سطح بین‌المللی شناخته شده و از زوایای متعددی به آن نگاه می‌شود. به‌طور کلی، جامعه‌شناسان سبک زندگی را شیوه یا الگوهای زندگی روزمره می‌دانند که تنها شامل الگوهای مطلوب فردی، بلکه شامل عادات و روش‌هایی که فرد یا اعضای یک گروه به آن‌ها خو کرده‌اند یا عملاً با آن سروکار دارند. سبک زندگی تمام مواردی چون الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، نحوه و مصرف و چگونگی رسیدن به اهداف را در برمی‌گیرد و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروه وابسته به آن را منعکس می‌کند (Naber et al. 2018). در ایران نیز، مطالعاتی به مسئله‌ی سبک زندگی پرداخته‌اند، تجملات در ازدواج، لذت بردن از دوران مجردی، سطح انتظارات جوانان و سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها (محمدپور و تقوی، ۱۳۹۴)، گسترش انواع سبک‌های شریک‌گزینی و معاشرت با جنس مخالف، تجربه‌ی معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، ازدواج را براساس نتایج (خلیج‌آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲) با دو سال تأخیر همراه می‌سازد. تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی که به جهت تبلیغات گسترده و شکل‌گیری نیازهای جدید و متنوع، شکل گرفته، منجر به بازتعریف نیازهای جوانان شده که این نیازها با شرایط عینی (بیکاری، هزینه‌های بالای زندگی متاهلی و ...) در تضاد است (صادقی،

گوهری، ۱۳۹۵)، بالا بودن هزینه‌ی تهیه‌ی جهیزیه و هزینه‌های سنگین مراسم ازدواج، (باقری و همکاران، ۱۳۹۸) از دلایل عمده‌ی تغییرات سبک زندگی و در نتیجه به تأخیر افتادن ازدواج هستند.

۵- عوامل روانی

ارتباط بین تأخیر ازدواج و برخی از عوامل روانی در یک مطالعه بررسی شده است. واکاوی شکست دیگران و ترس از طلاق، یکی از این عوامل است. شنیدن تجربه‌های تلخ افرادی که ازدواج کرده و پس از طی مدت زمانی اندک طلاق گرفته‌اند، آینه‌ای از ترس و ناامیدی که دائماً در حال بازتولید تجربه‌ی شکست و تبلیغ و القای آن به مجردین است. عامل دیگر اعتماد ناپذیری و متعهد نبودن مردان، که نمایش بی‌اخلاقی‌هایی از سوی مردان و نمایش آن در شبکه‌های اجتماعی به این بی‌اعتمادی دامن زده و زنان را نسبت به مردان بی‌اعتماد کرده است (باقری و همکاران، ۱۳۹۸).

۶- پیشینه‌ی خانوادگی

سعادت و باقری (۲۰۱۸) به ارتباط بین پیشینه‌ی خانوادگی و تأخیر ازدواج پرداختند. تعداد خواهر و برادران، فاکتورهای مهمی در تعیین سن ازدواج هستند. هرچه که تعداد خواهر و برادران افزایش یابد، سن ازدواج افزایش می‌یابد. اثر آن در یک مطالعه برای زنان بیشتر برآورد شد تا برای مردان. به دلیل مسائل فرهنگی دختران جوانتر نمی‌توانند قبل از خواهران بزرگتر خود ازدواج کنند (Saadati & Bagheri 2018). در بحث پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده در مطالعه انجام شده در کرمانشاه نیز می‌توان به این نکته توجه کرد که خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری دارند از یک سو امکانات و سرمایه اولیه ازدواج را برای فرزند پسر خود در سنین پایین‌تر فراهم می‌کنند و از سوی دیگر با توجه به فرهنگ جامعه‌ی مورد بررسی که استمرار و تداوم نسل از طریق فرزند پسر یک ارزش تلقی می‌شود، لذا در صورت فراهم بودن شرایط مادی، خانواده‌ها تمایل دارند که فرزند پسر در سنین پایین ازدواج نمایند (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۲).

۷- مذهب و قومیت

بر طبق یک مطالعه‌ای که در اسرائیل بین مذهب و سن ازدواج انجام شد، نشان داد که در کل دوره‌ی مورد بررسی (۹۵-۱۹۳۸)، زنان مسیحی در سنین بالاتر از زنان مسلمان و دروزی^۱ در اسرائیل ازدواج می‌کنند. میانگین سن ازدواج برای زنان مسلمانانی که قبل از سال ۱۹۴۸ ازدواج کرده بودند، ۱۸ سال بود و برای زنانی که بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۵ ازدواج کردند، ۲۰ سال بود. الگوی مشابهی برای زنان دروزی مشهود بود. میانگین سن ازدواج برای گروهی از زنان مسیحی که بین سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۴۸ ازدواج کرده‌اند، ۲۰ سال بوده است که به ۲۲ سال افزایش یافته است. این نشان می‌دهد که یا زنان مسیحی همیشه دیرتر از مسلمان و دروزی ازدواج می‌کردند، یا اینکه تغییر سن ازدواج در میان مسیحیان زودتر از مسلمانان و دروزی‌ها آغاز شده است. الگوی مردان با زنان مشابه است، میانگین سنی ازدواج مردان مسلمان و دروزی از ۲۱ سال برای ازدواج بین سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۴۸، به ۲۴ تا ۲۵ سال در سال‌های اخیر رسیده است (Lewin 2012).

در یک مطالعه در ایران رابطه قومیت با سن ازدواج سنجیده شده بود. در میان قومیت‌های مختلف تفاوت سنی ازدواج دیده می‌شد، به طوری که سن ازدواج زنان گیلانی نسبت به زنان مازندرانی بالاتر بود و سن ازدواج بلوچ و زنان لر نسبت به مازندرانی‌ها پایین‌تر بود همچنین سن ازدواج ترکمن‌ها، کردها، و گیلک‌ها نسبت به مازندرانی‌ها بالاتر بوده است.

نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر دنیا شاهد تعویق و تأخیر در ازدواج و افزایش سن ازدواج بوده است. این امر در تمامی کشورهای دنیا به صورت بیش و کم قابل مشاهده است. و این موضوع اخیراً

۱ فرقه دروزیه که در حقیقت انشعابی از مذهب اسماعیلیه است، در اوایل قرن پنجم قمری و با حمایت‌های ششمین خلیفه فاطمی، «الحاکم بامر الله» در مصر به وجود آمد. از جمله رهبران این گروه، حمزه بن علی بن احمد زوزنی (خادم مخصوص الحاکم) و محمد بن اسماعیل نشتکین دروزی می‌باشند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷).

به دلیل تأثیر روند افزایش سن در ازدواج اول بر سطح باروری، با پیامدهای بالقوه گسترده جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، اهمیت بیشتری یافته است (Wong 2005).

در تحلیل عوامل اجتماعی و خانوادگی، تعیین کننده سن ازدواج اول در بین زنان شامل متغیرهایی مانند نژاد، منطقه محل سکونت، تحصیلات والدین، ترتیب زندگی است (Elder 1972; Kobrin & Waite 1984; Michael & Tumo 1985; Otto 1979, Waite & Spitze 1981). با این حال، در طول یک دهه گذشته یا بیشتر، تمرکز تحقیقات از عوامل اجتماعی و خانوادگی به تأثیر دستاوردهای تحصیلی و شغلی بر سن ازدواج اول تغییر کرده است (Cherlin 1992; Blossfeld & Huinink 1991; Bloom & Bennett 1990; Goldstein & Kenney 2001; Oppenheimer 1997; Oppenheimer & Lew 1995). در کشور ما نیز در سال‌های اخیر پدیده تأخیر ازدواج و مجرد به صورت روزافزونی قابل مشاهده است. تلاش این پژوهش بر این بوده است که با بررسی سیستماتیک ۳۰ پژوهش در دوره‌ی ۱۰ ساله، عوامل تعیین کننده تأخیر ازدواج را شناسایی کند. با توجه به اینکه در بسیاری از کشورها در دوران پس از جنگ جهانی دوم، افزایش سن ازدواج در پی افزایش فرصت‌های تحصیلی و شغلی اتفاق افتاده است و استقلال اقتصادی را مخصوصاً برای زنان افزایش داده است. این تغییرات در این تحقیقات از این منظر قابل درک است که بیشترین عوامل تعیین کننده تأخیر ازدواج را افزایش تحصیلات و عوامل اقتصادی تعیین شده است، به خصوص نداشتن شغل مناسب و بیکاری گسترده در بین جوانان. تأخیر در ورود به بازار کار و موانع پیشرفت، مسکن گران، اغلب به تأخیر ازدواج نسبت داده می‌شود (Furstenberg *et al.* 2004; Settersten & Ray 2010). زمان ازدواج اول بر اساس وضعیت اجتماعی و تحصیلات متفاوت است، حتی در جوامعی که اکثر ازدواج‌ها توسط والدین و بستگان تنظیم می‌شود. آموزش رسمی، ازدواج زنان را برای سال‌های تحصیلی مورد نیاز به تأخیر می‌اندازد و همچنین ایده‌ها و ارزش‌هایی را پرورش می‌دهد که مشارکت زنان در کار با حقوق و برابری جنسیتی را ترویج می‌کند (Thornton *et al.* 1995; Blossfeld & Huinink 1991).

هنگامی که جوانان در انتخاب همسر و تصمیمات ازدواج خود تصمیم گیرنده باشند، مشارکت زنان در آموزش و فعالیت اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند. طبق فرضیه استقلال

اقتصادی، ازدواج ابتدا در میان زنان با تحصیلات بیشتر کاهش می‌یابد، زیرا پتانسیل درآمد بالاتر آن‌ها، دستاوردهای «تخصص و مبادله» را در یک خانواده کاهش می‌دهد (Becker 1981). از سوی دیگر، اوپنهایمر^۱ (۱۹۸۸، ۱۹۹۷) استدلال می‌کند که اگرچه زنان تحصیل کرده بیشتر احتمال دارد ازدواج را به تأخیر بیندازند، اما لزوماً مجرد نمی‌مانند، زیرا می‌خواهند ازدواج کنند و در نهایت این کار را بعداً انجام می‌دهند. با داشتن پتانسیل درآمد بالاتر، زنان تحصیل کرده می‌توانند جستجوی خود را برای یافتن مناسب‌ترین شریک زندگی طولانی‌تر کنند، که ممکن است مانند یک موقعیت جستجوی شغل، به زمان و تلاش قابل توجهی نیاز داشته باشد. در بسیاری از جوامع پیشرفته، چشم انداز درآمد بالاتر زنان نیز باعث جذابیت بیشتر آنها در بازار ازدواج می‌شود (Yoo 2021).

مطالعات متعددی به اهمیت رفاه اقتصادی و ثبات مالی به عنوان پیش‌بینی‌کننده ازدواج، به‌ویژه برای مردان اشاره کردند (فضل‌الهی قمشی و جهانبخشی ۱۳۹۷؛ Lee et al. 2020; Phonchua 2017) موقعیت افراد در بازار کار و پیشرفت تحصیلی نه تنها توانایی‌های اقتصادی فعلی آن‌ها را نشان می‌دهد، بلکه زندگی آینده آن‌ها را قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند. در این راستا، تا زمانی که ویژگی‌ها و سبک زندگی مطلوب هر فرد پس از ایجاد شغل و تکمیل تحصیلات مهیا نشود، جستجو برای شرکای ازدواج احتمالاً آغاز نمی‌شود. در محیطی که نقش‌های اقتصادی متمایز جنسیتی همچنان قوی وجود دارند، چشم‌انداز اقتصادی مردان جوان احتمالاً عامل اصلی در زمان‌بندی ازدواج برای مردان و زنان است. با این حال، تغییرات در نقش‌های جنسیتی منجر به تغییرات مربوطه در زمان ازدواج برای زنان می‌شود. با تغییر نقش‌های جنسیتی، نقش‌های اقتصادی بلندمدت زنان در خانواده مهم‌تر می‌شود و بر این اساس، عدم اطمینان در مورد ویژگی‌های آینده زنان افزایش می‌یابد. از این نظر، زنانی که دارای چشم‌انداز اقتصادی بالا هستند، به دلیل سطح پایین عدم اطمینان، دیرتر ازدواج می‌کنند (Kima & Kamo 2018).

1 Oppenheimer

عامل کلیدی دیگری که بین دیگر عوامل، نقش برجسته‌ای داشت، سبک زندگی و باورها و ارزش‌های مربوط به آن است که بر اساس این مطالعات، سبک زندگی سنتی و باورها و ارزش‌های مرتبط با آن، عامل سوق دهنده و سبک زندگی مدرن عامل بازدارنده ازدواج زودهنگام به شمار می‌رود. تغییرات به وجود آمده در خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری در جامعه و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی است. زمانی که دگرگونی‌های ایدئولوژیکی و ساختاری در سطح کلان از جمله: صنعتی شدن و شهر نشینی رخ دهند، سازمان‌های سطوح خرد همانند خانواده نیز با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق می‌یابند (اعزازی، ۱۳۷۶).

عوامل روانی که ناشی از بی‌اعتمادی و متعهد نبودن افراد، که تا حدود زیادی به نظر می‌رسد حاصل داده‌ها و پمپاژ تصویری و محتوایی رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی نوین است، زمینه را در جهت بی‌اعتمادی دختران به مردان و بالعکس فراهم کرده و پاسخ آنان به این زمینه، بدبینی و دوری از ازدواج است. محل سکونت نیز از جمله عواملی بودند که تأثیر آن بر تأخیر ازدواج در تحقیقات نشان داده شده است. تعداد کمی از تحقیقات تأثیر قومیت، مذهب، پیشینه‌ی خانوادگی را گزارش کرده‌اند. از یافته‌های این پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که سطح توسعه‌یافتگی یکی از عواملی است که از مسیرهای متفاوت می‌تواند بر تأخیر ازدواج تأثیر بگذارد. این در حالی است که در کشورهای غربی تأخیر در ازدواج اول به‌طور مثبت به‌عنوان یک انتخاب داوطلبانه که با آزادی و خودیابی همراه است، تعبیر شده است (Arnett 2000) در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) تأخیر در ازدواج می‌تواند دوره‌ای دشوار و تا حد زیادی غیرارادی در زندگی فردی باشد (Gebel & Heyne 2016).

بنابراین در پاسخ به تغییرات اجتماعی گسترده، مردم اغلب راه‌هایی را در پیش می‌گیرند که شامل کمترین سازماندهی و کمترین هزینه باشد، مانند به تعویق انداختن ازدواج (Davis & Blake 1956:235) از این نظر، تغییرات در زمان‌بندی ازدواج، راه کارآمدی برای انطباق با تغییرات پویای اجتماعی و اقتصادی و در عین حال حفظ نظام‌های ارزشی و آداب و رسوم متعارف است (Bongaarts & Feeney 1998).

همان‌طور که مطرح گردید تحصیلات عالی و اشتغال به عنوان پیش شرط ازدواج در بین جوانان نهادینه شده است. امروزه تلقی اغلب پسران و دختران این است که ازدواج فرصت ادامه تحصیل را از آنان سلب می‌کند. به عبارت دیگر، کسب مدارک تحصیلی، موجب اعتبار اجتماعی و اقتصادی می‌گردد و زمینه استخدام آنان را آسان‌تر می‌کند. بنابراین، یک فرد برای داشتن موقعیت اجتماعی و اقتصادی برتر، ناگزیر باید دهه دوم زندگی خود را صرف تحصیل کند. این امور، امکان ازدواج بسیاری از جوانان را با تأخیر همراه می‌کند؛ زیرا جوانانی که از امکانات مالی خوبی برخوردار نیستند، نمی‌توانند در کنار تحصیل، هزینه یک خانواده را نیز تأمین کنند. این مشکل خود ناشی از دو نیاز ضروری است که در نظام عالی آموزش کشور جای آن‌ها بسیار خالی است. اولین مسئله نبود شغل برای دانشجویان است که باعث می‌شود جوان دانشجوی به دلیل مسائل مالی برای ازدواج اقدامی نکند. در کشور برقراری ارتباط میان دانشگاه و بازار کار که دانشجویان بتوانند به تحصیل خود پردازند و همزمان شاغل باشند و زمینه برای ازدواج‌شان فراهم شود، به خوبی برقرار نشده است. بنابراین فراهم نمودن بستر لازم توسط مؤسسات آموزشی جهت ارتباط هرچه بیشتر آموزش عالی با بازارکار ضروری است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌بایست در پذیرش دانشجو به تقاضای بازار کار توجه کنند، آموزش‌های لازم جهت مهارت‌آموزی متناسب با تقاضای بازار کار می‌بایست در دانشگاه‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد و کارفرمایان و صاحبان صنایع نیز نیاز است تعامل بهتر با دانشگاه‌ها برقرار کنند. اما دومین مسئله که باعث بروز این مشکل می‌شود نبود مسکن برای دانشجویان متأهل است که گویای این است که دولت‌های مختلف راهکارهای مؤثری در جهت افزایش انگیزه برای ازدواج در سن مناسب برای جوانان نداشته‌اند. با این حال در سال ۱۴۰۰ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت تصویب شد که راهکارهایی را برای افزایش ازدواج جوانان ارائه داد. مانند ساخت و تجهیز خوابگاه‌های متأهلی و پرداخت ودیعه مسکن. هرچند توجیه منابع اقتصادی چنین طرح‌هایی با توجه به شرایط اقتصادی کشور دشوار است، اما امید می‌رود با اجرایی شدن صحیح آن در سال‌های آینده تا حدودی برخی از دغدغه‌های جمعیتی به خصوص در حوزه ازدواج در سن مناسب و در نتیجه فرزندآوری مرتفع شود.

بررسی روش تحقیق مقالات نشان می‌دهد که بیشترین روش تحقیق به کار گرفته شده در مقالات از نوع کمی و به صورت پیمایش بوده و در مرتبه‌ی بعد، از نوع کیفی بوده است. مقالات با روش کیفی نیز تعداد محدودی را به خود اختصاص داده‌اند، و این در حالی است که کشف ابعاد جدید مسئله‌ی تأخیر ازدواج به ویژه در بعد فرهنگی - اجتماعی و روانشناختی و حتی سایر ابعاد آن از طریق به‌کارگیری روشهای کیفی میسر خواهد شد و در این مطالعات مسیرهایی که منجر به تأخیر ازدواج می‌شوند دیده نشده است. چرا که برای کسانی که مسیرهایی متفاوتی را انتخاب می‌کنند مداخلات و سیاست‌های متفاوتی لازم است. علاوه بر این، بسیاری از مطالعات داخلی از نمونه‌هایی استفاده کردند که غیرنماینده بودند یا فقط نماینده یک منطقه جغرافیایی محدود بودند و از داده‌های بزرگ^۱ استفاده نشده بود. اکثر مطالعات خارجی بر روی کشورهای خاصی مانند اندونزی، مصر، اردن، کره جنوبی، هندوستان، آمریکا متمرکز بودند. این نشان می‌دهد که توسعه تحقیقات علمی در مورد عوامل تعیین‌کننده تأخیر ازدواج هنوز تمام مناطق که متأثر از این پدیده هستند را تحت پوشش قرار نداده‌اند. در مجموع مقالات بررسی شده در تعداد اندکی از مقاله‌ها راهکار یا پیشنهادی برای کم کردن سن ازدواج ارائه شده است و در مواردی که به صورت کلی و مبهم هستند که الزاما به صورت روشمند در مسیر پژوهش به دست نیامده است. از لحاظ محتوا راهکارها، ضرورت و برنامه‌ریزی برای آموزش در گروه‌ها و اقشار مختلف، فراگیرترین پیشنهاد مطرح شده به وسیله پژوهشگران است.

مطالعات مختلف در مورد شیوع تأخیر ازدواج در ایران و کشورهای دیگر تصدیق می‌کند که این یک موضوع جهانی است و محدود به مناطق خاصی از جهان نیست. پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتر در مورد انگیزه‌ها و پیامدهای ازدواج دیررس انجام شود و این مسئله گفتمان هر روزه‌ی سیاستگذاران و مسئولین هر کشوری باشد، به‌ویژه کشور ایران که جوانان با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند. برای نمونه، برای حل مشکل ازدواج دولت می‌تواند جهت تشویق جوانان کمک‌های را به زوجین ارائه دهد. از جمله پرداخت وام‌های

قرض‌الحسنه به مبلغ قابل توجهی که هم تأمین‌کننده‌ی مسکن و هم وسائل زندگی برای آن‌ها باشد. چنین گفتمان‌هایی ممکن است موانع باقی‌مانده برای تأخیر ازدواج را روشن کند و تلاش‌های کشور را برای بهبود برابری جنسیتی و حمایت اقتصادی از پسران و دختران چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی تقویت کند. ایجاد راهکارها، و ضرورت برنامه‌ریزی برای کاهش سن ازدواج در گروه‌ها و اقشار مختلف، فراگیرترین پیشنهاد مطرح شده به وسیله پژوهشگران است، تا بدین وسیله مسئله کاهش باروری نیز جبران شود. به‌علاوه، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در پژوهش‌های آینده، از روش‌های کیفی و ترکیبی استفاده‌ی بیشتری کنند چرا که لایه‌های پنهان برخی تصمیم‌گیری‌ها نظیر تصمیم به ازدواج بیشتر با تحقیقات کیفی درک می‌شوند. نکته‌ی دیگر اینکه ازدواج پدیده‌ای چندوجهی و گسترده است که علوم مختلف، ابعاد مختلف آن را بررسی می‌کنند و همین مسئله لزوم مطالعات میان رشته‌ای در این زمینه را بیشتر می‌کند.

پژوهش حاضر نیز همچون اغلب تحقیقات علمی با محدودیت‌ها و نقاط قوتی همراه است. این پژوهش که می‌توان آن را نخستین مطالعه‌ی دانست که مجموعه یافته‌های علمی مرتبط با عوامل تأخیر ازدواج را با هدف روشن‌تر کردن دورنمای این حوزه تحقیقاتی در آینده مورد تحلیل قرار داده است، از طریق ارزیابی و مقایسه راهکارها و روش‌های موجود انجام شده به محققان در یافتن خلأهای پژوهشی تأخیر ازدواج کمک شایانی می‌نماید. هرچند که به‌رغم این نقطه قوت، اما محدودیت‌هایی نیز در مسیر این پژوهش وجود داشته که نیاز است محققان در مطالعات بعدی به آنها توجه جدی داشته باشند. عدم دسترسی به همه مقالات علمی - پژوهشی از طریق پایگاه داده‌های مختلف که ممکن است جستجو در آنها با اشکالاتی مواجه باشد از جمله این محدودیت‌ها به شمار می‌روند.

منابع

التجایی، ابراهیم و مینا عزیززاده (۱۳۹۵). "بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی موثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان استانی". *جامعه پژوهی فرهنگی*. دوره ۷، شماره ۳، صص: ۱-۱۹.

اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

انتظاری، اردشیر، احمد غیاثوند و فاطمه عباسی (۱۳۹۶). "عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. دوره ۸، شماره ۳۳، صص: ۲۶۹-۲۰۱.

باقری، شهلا، جواد مداحی و طاهره لطفی خاچکی (۱۳۹۸). "برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی دانشجویان دختر شهر مشهد)". *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۱۷، شماره ۱، صص: ۶۹-۴۳.

بستان، حسین (۱۳۸۳). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

پرهوده، فرزاد، ابوالقاسم فاتحی و اکبر مرادی (۱۳۹۸). "گرایش دانشجویان مرد ۲۶ سال به بالا به تجرد نسبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد شهر اسلام‌آباد غرب)". *مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*. دوره ۲، شماره ۱، صص: ۳۵-۵۲.

حبیب‌پورگنابی، کرم، و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰). "علل افزایش سن ازدواج دختران". *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. (۱)۹. صص: ۳۴-۷.

حسینی، حاتم، رسول صادقی و اردشیر رضایی (۱۳۹۸). "عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران". *توسعه روستایی*. دوره ۱۱، شماره ۱، صص: ۱۷۲-۱۴۷.

<https://doi.org/10.22059/JRD.2019.74459>

خلیج‌آبادی فراهانی، فریده. شهلا کاظمی پور و علی رحیمی (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران". *خانواده‌پژوهی*، دوره ۹، شماره ۳۳، صص: ۲۸-۷.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۷). *فرق و مذاهب کلامی*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.

رضادوست، کریم و ایمان ممبئی (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل". *مشاوره کاربردی*. دوره

۱، شماره ۱، صص: ۱۲۲-۱۰۵.

شعاع کاظمی، مهرانگیز و فرح فرازنده‌پور (۱۳۹۸). "رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان". *پژوهش نامه سبک زندگی*. شماره ۹، صص: ۱۲۵ تا ۱۳۹.

شهانواز، اعظم و منصوره آزاده. (۱۳۹۷). "شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر مجرد در ایران". *مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۲۶ شماره ۱۰، صص: ۱۵۷-۱۹۱.

صادقی، رسول و محمد شکفته گوهری (۱۳۹۶). "مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. دوره ۹ شماره ۳۰، صص: ۱۴۲-۱۷۵.

<https://doi.org/10.22054/qjsd.2017.8012>

ضرابی، وحید و سید فرخ مصطفوی، (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی". *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)*، دوره ۱۱، شماره ۴، صص: ۳۳-۶۴.

عباسی‌شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی چاووشی (۱۳۹۰). "تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران". *معرفت در دانشگاه اسلامی*. دوره ۱۵، شماره ۳، صص: ۸-۲۵.

عباسی‌شوازی، محمد جلال و رسول صادقی (۱۳۸۴). "قومیت و الگوهای ازدواج در ایران". *پژوهش زنان*. دوره ۳، شماره ۱، صص: ۲۵-۴۷.

عبداللهی، رضا (۱۳۶۶). *نظام اسلامی و مسایل و مشکلات نسل نو. روزنامه اطلاعات*، ص ۱۰.

عسکری‌ندوشن، عباس، فاطمه فتوحی تفتی و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۹۷). *تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: مطالعه تطبیقی دختران جوان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*. دوره ۲۰، شماره ۷۹، صص ۱۷۱-۲۱۰.

فتحی، الهه (۱۳۹۹). "نگاهی به گذشته، حال و آینده جمعیت ایران". تهران: پژوهشکده آمار ایران.

گزارش کد DE-1-1-99-11

فخرایی، سیروس و مهناز پورتنقی (۱۳۹۴). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب". *مطالعات جامعه‌شناسی*. دوره ۷، شماره ۲۷، صص: ۶۳-۸۰.

فضل الهی قمشی، سیف‌الله و حیدرعلی جهانبخشی (۱۳۹۷). "سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در افزایش آن". *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*. دوره ۸، شماره ۱، صص: ۱۲۹ تا ۱۵۴.

کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). "حول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن". *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. دوره ۲، شماره ۳، صص: ۱۲۴-۱۰۳.

کاوه فیروز، زینب و اعظم صارم (۱۳۹۶). "بررسی تاثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد در باب ازدواج (مطالعه‌ی شاغلان دانشگاه علوم پزشکی شیراز)". *مسائل اجتماعی ایران*. دوره ۸، شماره ۱، صص: ۷۳-۹۵.

کاوه فیروز، زینب، شهلا کاظمی پور و مرتضی رنجبر (۱۳۹۳). "تعیین‌کننده‌های اجتماعی جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران)". *زن در توسعه و سیاست*. دوره ۱۲، شماره ۳، صص: ۴۴۹-۴۶۸.

<https://doi.org/10.22059/JWDP.2014.53693>

گرامیان، بهروز (۱۳۸۷). خانواده‌ی ایرانی در هزاره‌ی سوم. *هفته نامه ارغوان*. دوره ۱، شماره ۱۶، صص: ۱۵-۲۳.

لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۹۳). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، (ترجمه حسین محمودیان)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم.

محمدپور، علی و نعمت‌الله تقوی (۱۳۹۲). "عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان". *مطالعات جامعه‌شناسی*. دوره ۵، شماره ۲۰، صص: ۳۹-۵۳.

محمودیان، حسین (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان". *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴، صص: ۲۷-۵۳.

محمودیان، حسین، فاطمه ترابی و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۲). "تفاوت‌های جنسی تعیین‌کننده‌های سن ازدواج افراد در آستانه ازدواج در شهر کرمانشاه". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. دوره ۸، شماره ۱۵، صص: ۲۲-۵.

مرادی، گل‌مراد و محسن صفاریان (۱۳۹۱). "عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)". *جامعه‌شناسی مطالعات*. دوره ۳، شماره ۷، صص: ۸۱-

۱۰۸

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور سال ۱۳۹۵*.

Abbasi-Shavazi MJ, & McDonald P. (2006). The fertility decline in the Islamic Republic of Iran, 1972 – 2000. *Asian Population Studies*. 2:217–237.

Abbasi-Shavazi, M. J. (2000). Effects of marital fertility and nuptiality on fertility transition in the Islamic Republic of Iran. Working Papers in Demography, No.84. Canberra: The Australian National University

Abbasi-Shavazi, M. J., M. Hosseini-Chavoshi, and P. McDonald (2007). "The Path to below Replacement Fertility in the Islamic Republic of Iran", *Asia-Pacific Population Journal*, 22(2): 91-112.

Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55(5), 469–480. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.5.469>

Becker, G. S. (1981). *A theory of the family*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Bloom, D. E. & Bennett, N. G. (1990). Modeling American marriage patterns. *Journal of the American Statistical Association*, 85, 1009–1017.

Bloome, D., & Ang, S. (2020). Marriage and Union Formation in the United States: Recent Trends Across Racial Groups and Economic Backgrounds. *Demography*, 57(5), 1753–1786. <https://doi.org/10.1007/s13524-020-00910-7>

Blossfeld, H. P. & Huinink, J. (1991). Human capital investments or norms of role transition? How women's schooling and career affect the process of family formation. *American Journal of Sociology*, 97(1), 143–168.

Bongaarts, J., & Feeney, G. (1998). On the quantum and tempo of fertility. *Population and Development Review*, 271-291.

Cherlin, A. (1992). *Marriage, Divorce, and Remarriage*. Cambridge: Harvard University Press.

Davis, K. and Blake, J. (1956) Social structure and fertility: An analytic framework. *Economic Development and Cultural Change*, 4(3), 211-235. <https://doi.org/10.1086/449714>

Elder, G. H. Jr. (1972). Role orientations, marriage age, and life patterns in adulthood. *Merrill-Palmer Quarterly*, 18, 3–24.

Feng, K. (2018, April). Changing Marital Behavior: Late Marriage in Post-Reform China. In *PAA 2018 Annual Meeting*. PAA.

- Fraboni, R., & Billari, F. C. (2001). Measure and dynamics of marriage squeezes: From baby boom to baby bust in Italy (MPIDR Working Papers WP 2001-005). Rostock, Germany: Max Planck Institute for Demographic Research.
- Furstenberg, F., Kennedy, S., McLoyd, V., Rumbaut, R., & Settersten, R. (2004). Growing up is Harder to do. *Contexts*, 3(3), 33–1420.
- Gallagher, M. (2002). What is marriage for? The public purposes of marriage law. *Louisiana Law Review*, 62(3), 773-775.
- Gebel, J. Heyne, S. (2016). Delayed transitions in times of increasing uncertainty. School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan. *Research in social stratification and mobility* 46(Part A), 61-72. <https://doi.org/10.1016/j.rssm.2016.01.005>
- Glass, Gene V; McGaw, Barry; & Smith, Mary Lee. (1981). *Meta-Analysis in Social Research*. Beverly Hills, CA: SAGE.
- Goldstein, J. R. & Kenney, C. T. (2001). Marriage delayed or marriage foregone? New cohort forecasts of first marriage for U.S. women. *American Sociological Review*, 66(4), 506–519.
- Goodkind, D. (1997). The Vietnamese double marriage squeeze. *International Migration Review*, 31, 108–127.
- Jones, G. W. (2019). Ultra-low fertility in East Asia: Policy responses and challenge. *Asian Population Studies*, 15(2), 131–149. <https://doi.org/10.1080/17441730.2019.1594656>
- Jones, G.W. and Gubhaju, B. (2009). Factors influencing changes in mean age at first marriage and proportions never marrying in the low-fertility countries of East and Southeast Asia. *Asian Population Studies* 5(3): 237–265. <https://doi.org/10.1080/17441730903351487>
- Juntarodjana, J. & Podhisita, C. (2003). Transition from school to work: Experience of Thai and Hong Kong Youth. *Journal of Population and Social Studies*, 11(2), 71-94.
- Juntarodjana, J. (2002). Family background and the transition to adulthood: Experience from Thailand and Hong Kong. (Unpublished doctoral dissertation). Faculty of Graduate Studies, Mahidol University.
- Kashyap, R., Esteve, A., & García-Román, J. (2015). Potential (Mis)match? Marriage Markets Amidst Sociodemographic Change in India, 2005-2050. *Demography*, 52(1), 183–208. <https://doi.org/10.1007/s13524-014-0366-x>
- Kenneth, D. (1996). *Statistical Methods in Education and Psychology*, Third Edition. Boston: Allyn & Bacon.
- Kim, H. & Kamo, Y. (2018). Women's Socioeconomic Characteristics and Marriage Intention in Korea. *International Journal of Contemporary Sociology*. 54(1).
- Kobrin, F. E. & Waite, L. J. (1984). Effects of childhood family structure on the transmission to marriage. *Journal of Marriage and the Family*, 46, 807–816.
- Krafft, C., & Assaad, R. (2020). Employment's Role in Enabling and Constraining Marriage in the Middle East and North Africa. *Demography*, 57(6), 2297–2325. <https://doi.org/10.1007/s13524-020-00932-1>

- Lee, S., & Lee, J. H. (2014). Causes of continued lowest low fertility and future policy directions (Research report: 2014-22-1-1). Korea Institute for Health and Social Affairs.
- Lewin, Alisa C. (2012). Marriage Patterns among Palestinians in Israel. *European Journal of Population* 28(3). Pp.359-380. <https://doi.org/10.1007/s10680-012-9264-3>
- Michael, R. T. & Tuma, N. (1985). Entry into marriage and parenthood by young men and women: The influence of family background. *Demography*, 22, 515–544.
- Naber, A. M., Payne, S. C., & Webber, S. S. (2018). The relative influence of trustor and trustee individual differences on peer assessments of trust. *Personality and Individual Differences*, 128: 62-68.
- Oppenheimer, V. K. & Lew, V. (1995). American marriage formation in the 1980s: how important was women's economic independence? In Mason, K. O. & Jensen, A. M(Eds.), *Gender and Family Change in Industrialized Countries* (pp. 105–138). Oxford: Clarendon Press.
- Oppenheimer, V. K. (1988). A theory of marriage timing. *American Journal of Sociology*, 94, 563–591.
- Oppenheimer, V. K. (1997). Women's employment and the gain to marriage: The specialization and trading model. *Annual Review of Sociology*, 23, 431–453.
- Oppenheimer, V. K. (1997). Women's employment and the gain to marriage: The specialization and trading model. *Annual Review of Sociology*, 23, 431–453.
- Ortega J. A. (2012). "Characterization of World Union Patterns at the National and Regional level", IUSSP Seminar on First Union Pattern around the World, 20-22 June 2012, Spain.
- Otto, L.B. (1979). Antecedents and consequences of marital timing. In Burr, W. R. et al., (Eds.), *Contemporary Theories about the Family* (pp. 101–126). New York: Free Press.
- Phonchua, J., Podhisita, C., Jampaklay, A., & Rittirong, J. (2017). Marriage in Kanchanaburi Province, Thailand: Who Delays, Who Does Not? *Journal of Population and Social Studies*, 25(4), 358-372.
- Saadati, M., & Bagheri, A. (2018). Determinants of Iranian youths' marriage age: A parametric survival analysis approach. *Social Determinants of Health*, 3(4), 177-185. <https://doi.org/10.22037/sdh.v3i4.18529>
- Salem, R. (2016). The gendered effects of labour market experiences on marriage timing in Egypt. *Demographic Research*, 35(11). Pp. 283–314. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2016.35.11>
- Schneider, D., Harknett, K. & Stimpson, M. (2019). Job Quality and the Educational Gradient in Entry into Marriage and Cohabitation. *Demography* 56, 451–476 (2019). <https://doi.org/10.1007/s13524-018-0749-5>
- Settersten, R. A., Jr., & Ray, B. (2010). What's going on with young people today? The long and twisting path to adulthood. *The Future of Children*, 20(1), 19–41. <https://doi.org/10.1353/foc.0.0044>

- Sobotka, T. and Toulemon, L. (2008). Overview chapter 4: Changing family and partnership behaviour: Common trends and persistent diversity across Europe. *Demographic Research*, 19(6): 85–138. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2008.19.6>
- Song Lee, B. Klein, J. L. Wohar, M. Kim, S. (2016) Factors delaying marriage in Korea: an analysis of the Korean population census data for 1990–2010. *Asian Population Studies*, 17(2):1-23. <https://doi.org/10.1080/17441730.2020.1781380>
- Thornton, A., Axinn, W. G. & Teachman, J. D. (1995). The influence of school enrollment and accumulation on cohabitation and marriage in early adulthood. *American Sociological Review*, 60(5), 762–74.
- Waite, L. J. & Spitze, G. D. (1981). Young women's transition to marriage. *Demography*, 18, 681–694.
- Wong, O.M.H. The Socioeconomic Determinants of the Age at First Marriage among Women in Hong Kong. *Journal of Family and Economic Issues*, 26 (4), 529–550 (2005). <https://doi.org/10.1007/s10834-005-7848-3>
- Yoo, S. H. (2016) Postponement and recuperation in cohort marriage: The experience of South Korea. *Demographic Research*, 35: 1045-1078. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2016.35.35>
- Yu, J., & Xie, Y. (2015). Changes in the Determinants of Marriage Entry in Post-Reform Urban China. *Demography*, 52(6), 1869-1892. <https://doi.org/10.1007/s13524-015-0432-z>